

چهار شب دیگر که شب تاج گذاری است ، چراغان نمایند ؛ و سفیر عثمانی هم خواهش دوستانه وزیر امور خارجه را قبول کرده است . امروز سهسالار از وزارت جنگ معزول گردید . مشیرالسلطنه از صدارت عزل شد . امر صدارت و وزارت جنگ راجع به نایب السلطنه رئیس الوزراء و فرمانفرما گردید . اگرچه عموم مردم خرسند و خرم می باشند از پیش آمدن کار ، ولی عقلا و دانشمندان که خیال دارند مملکت خود را نگاه دارند و بین دولت و ملت اتحاد دهند و می بینند که سعدالدوله دارد مملکت را از دست می دهد ، خیلی محزون و غمناک می باشند . امام جمعه و ظهیرالاسلام ، این روزها ظاهراً از استبداد برگشته اند ، عجب است از پرومی این دو نفر برادر .

کاغذی از طرف حاج شیخ محمد کرمانی ، ولد مرحوم حاجی عبدالرحیم کرمانی ، از مشهد مقدس آمده که بعضی عبارات آن از این قرار است :

از روز هشتم شهر صفر ، که رکن الدوله معزول شده است ، اوضاع شهر به هم خورده است . بیست نفر مجاهدین قفقاز اقدام کردند ، بازار را بستند و علماء و وکلاء سابق را يك از خانه بیرون آوردند و انجمن ایالتی را دایر کردند . بعد از انعقاد انجمن ، مستبدین به دسیسه اینکه نباید ترك خارجه ولایت ما را مشروطه نمایند ، قریب دوست نفر اهل شهر ، تفنگ برداشته و اطراف انجمن را گرفته که ترك نباید باشد . آقایان مشروطه ، دیدند فساد بزرگی خواهد شد و جنگ ترك و فارس شروع خواهد شد و مطلب اصلی از دست خواهد رفت ، تمامی را جمع نمودند در مدرسه نواب و یکی از آقایان ، منبر تشریف برده و صلح مابین ترك و فارس را دایر اعلام نمود که فرقی مابین ترك و فارس نیست ، تماماً مشروطه می خواهیم . انجمن دایر شد و کارهای صحیح به قاعده می شد . شهر هم در کمال امنیت بود . غفلة مستبدین اسباب فراهم آوردند ، مابین چند نفر ترك و دو نفر فارس نزاع انداختند . کار به جنگ رسید ، به هم زدند ، يك نفر حاجی محمد شال فروش مقتول شد . فردا صبح بیست نفر زن فاحشه را مستبدین با جنازه مقتول فرستادند به انجمن ، که خون این را بدهید و قاتل را بدهید . هرچه اعضاء انجمن به زنان جواب دادند ، رسیدگی می کنیم ، ثمر نکرد . زنها ریختند به انجمن ، اهالی انجمن را با سنگ و چوب زدند ، درها را شکستند . اهالی انجمن متفرق شدند . مردم خیر شدند ، بازارها را بستند . فردا صبح در بالاخیابان ، نقش يك نفر ارمنی مقتول را دیدند که تبعه روس بود . مختصراً مرافعه خیلی شد بین خارجه و داخله ، آخر الامر قرار شد آن بیست نفر مجاهد قفقاز را اخراج بلد نمایند . آن بیست نفر از شهر رفتند تربت حیدریه و انجمن دایر شد . مجاهدین شهری ، حفظ

و حراست می کردند. در این اوقات، سالار تربتی بلوچ خروج نمود و شجاع الملک حاکم تربت را کشت و مجلس را دائر نمود و صدراعظم تربتی را که مستبد بود کشت. و معززالملک را از شهر، مستبدین به جنگ سالار فرستادند، و معززالملک شکست خورد و خودش هم پایش گلوله خورده است و از آنجا به فوج رفته است جهت مداوا. اطراف، از ترشیز و سبزوار و قوچان و سیستان و خاف و قاین تماماً مجلس دائر نموده است. اما خدا به خیر نماید که اهالی مجلس مستبدانند. تربت حیدریه، خیلی مجلس منظم است. حکومت مشهد هم از جانب ملت، شاهزاده منتصرالملک است و نیرالدوله که از طهران به عنوان حکومت آمده است، در نیشابور متوقف است. از جانب انجمن تلگرافات به او شده است. خیال استعفاء دارد، آمدن مشهد را موقوف نموده است. اما اراک را دولتیان و سوار و سرباز خوب نگهداشته اند، هنوز قورخانه به تصرف ملت نیامده است. دو روز است که از سرحد اطلاع دادند که چند نفر قزاق روسی و بیست و پنج نفر توپچی و هفت عراده توپ مسلسل، وارد خاک ایران نمودند. کسی جلوگیری نکرده است. با قونسل در جواب و سؤال هستند، جواب شافی نمی دهند، گاهی می گویند جهت حفظ رعایای خودم می آورم؛ گاهی می گویند من باید مالیات را جمع نمایم. از سیستان هم خبر رسیده که از جانب انگلیس هم، عسکر وارد سرحد شده. خدا رحم نماید، خدا رحم کند، خدا انصاف بدهد به رؤسای ولایت که مستبد هستند و خرابی می کنند. الحال که مشروطه است، احکام مطابق شرع می شود، اوضاع شهر این است. دکاکین يك روز بسته است، يك روز باز است. خدا رؤساء را انصاف بدهد، انتهى.

روز جمعه نهم [ربیع الثانی ۱۳۲۷] - امروز مشیرالسلطنه از وزارت و سدارت، و سپهسالار از وزارت جنگ، و سعدالدوله از وزارت امور خارجه، و نظام الملک از عدلیه معزول شدند. نایب السلطنه، اتابک اعظم و رئیس الوزراء شد. مشیرالدوله، وزیر عدلیه؛ علاء السلطنه، وزیر خارجه گردید. وزارت داخله را به فرمانفرما عرضه داشتند، قبول نکرده است. وزارت مالیه را به وزیر دربار دادند، نیز قبول نکرده است. تا بعد چه معلوم شود، اختلافات زیاد است.

امروز جناب آقا سید صادق قزوینی، ورقه اخباری برایم فرستاده اند که ذیلاً درج

گردید:

۱- این دو کلمه و بسیاری از کلمات این نامه ناخوانا بود صورت متن شبیه ترین صورت است به کلماتی که مؤلف نوشته است.

اخبار از رشت در ۲۶ ربیع الاول

احوال تبریز است - الحمد لله ، همه روزه خبر فتوحات احرار می رسد . دولتیان مغلوب ، عین الدوله معدوم ، صمد خان مقتول . چند روز بود به جهت پول ، اهالی تبریز معطل بودند ؛ ده هزار تومان از رشت ، ده هزار منات از مسکو به جهت آنها اعانه فرستاده شد . اردوی دولتی از اطراف تبریز پراکنده ، به دهات ریخته ، اموال رعایا را غارت می کنند .

احوال زنجان - از طرف مجاهدین رشت ، عریضه جات مفصل به جناب آخوند ملا قربانعلی عرض شد . که در افتتاح انجمن ولایت زنجان اقدام نماید . جناب معظم ، نه جواب داد و نه اقدام نمود . ولی مجاهدین به هر نوعی که ممکن بود ، احکام حجج ثلاثه نجف را ، به سرکرده های قبایل اطراف زنجان رسانیدند ، به آنها ثبوت نمودند . جناب مظفر الملک قریب یکصد [و] پنجاه سوار جرار ، به سرکردگی علاء الحضور روانه به طرف رشت نمودند که در همراهی ملت و مجاهدین حاضرند . الساعة در منجیل حضور دارند ، منتظر فرمان هستند .

احوال قزوین - قشونی که از طهران ، اردبیل واکراد خود قزوین فراهم شده بود ، به جهت آمدن به رشت ، ده روز قبل در هشت فرسخی قزوین ، نزاع کوچکی اتفاق افتاد . مجاهدین ناصر خان پسر قیاس نظام را با يك سرکرده و يك دو سوار مقتول ، الباقی را متفرق نمودند . در ۳ یوم قبل هم قشون دولتی که اجماعاً در ۳ فرسخی قزوین بودند ، مصادف با مجاهدین غیور شدند . سوارها را تعاقب نمودند الی باغستان قزوین ، پراکنده نمودند . عده مقتولین از اردوی دولت را زیاد می گویند ، ولی حقیقت را هنوز به دست نیاورده ام ، ولی کلی از قشون دولتی به اطراف دهات گریخته اند .

احوال خراسان - انجمن ایالتی مشهد مقدس دایر ، تربت ، ترشیز و سایر ولایت خراسان در تصرف ملت .

اصفهان - واقعاً فرمایش امام علیه السلام امروز اثر نمود که می توان گفت ، نصف جهان از حدود کاشان الی بنادر فارس ، تمام در تصرف ملت به سرپرستی صمصام السلطنه بختیاری است ، و اردوی باشکوهی فراهم نموده است . عنقریب که صمصام در قم ، سپهدار اعظم در قزوین ، رحل اقامت اندازند ، در گفتگوی اصلاح برآیند ، اگر ترضیه ملت عمل آید فيها المراد ؛ والا اطراف باغ شاه ، کوی میدان دلاوران ، جسد بی جان خیلی خواهید تماشا کرد . همین قدر

دانسته و مطلع باشید که قلمرو فرمان سلطنتی ، حدود طهران است . محذوری که حالیه واقع است ، همان اردبیل است و شاهسون‌های آن سامان ، که به جهت غارت خودشان ، حمایت از دولت دارند . او را هم مجاهدین ، در این چندروز فیصل خواهند نمود ، با عزم ثابت ، عازم طهران خواهند شد . تصریح انقلاب حالیه ، يك مشت کسبه تجاری است که قوتی نداشته باشند [۴] به يك توب از میدان بگریزند ؛ اقدام حالیه ، از طرف سرکرده‌ها و رئیس قبایل ایلات است ، تا به مقصود نرسند ، آرام نخواهند نشست . از طرف قفقازیة روس ارمنی و مسلمان ، همه روزه با سلاح وارد می‌شوند . شهر در کمال امنیت ، انجمن در کمال استحکام مشغول خدمات مملکتی هستند . اخباری که به عرض مبارک رسانیدم تمام وقوع دارد .

تلگرافات - از محرمه - ۴ ع ل - نجف اشرف محضر مبارک حضرت حجة الاسلام آقای خراسانی مدظله‌العالی ، مژده مظفریت برادران آذربایجان را جناب صمصام السلطنه به نام تلگراف انجمن سعادت کرده بودند ، موجب مزید تشکر وطن پرستان گردید . خداوند مزید توفیق کرامت فرماید . خاطر خطیر مبارک ، محققاً از وقایع بنادر فارس مستحضر است ، که اداره امور را را عتلاء ملت به دست گرفته‌اند . اهالی شیراز هم در طلب مشروطیت ، مجدداً اقدام دارند . مترصد خدمات و احکام مطاعه است ، امضاء ، سردار ارفع .

۴ ع ل - ینگی جامع نجف ، محضر مبارک حضرات حجج الاسلام آیات الله فی الانام آقای خراسانی ، آقای مازندرانی مدظلهما . عین تلگراف تبریز است : با خضوع تمام ، تبریک عید سعید و شکر آتیه و سلامت آن ذوات مقدسه را تقدیم می‌نمائیم . از برکت انفاس مطهره ، احرار ملت منصور و فتوحات پی‌درپی حاصل ، به اجراء احکام مطاعه و قلع ریشه ظلم ثابت ، ملتس دعا هستیم . انجمن ایالتی ، انجمن سعادت .

۵ ع ل - ینگی جامع نجف ، حضرات حجج الاسلام آقای خراسانی ، آقای مازندرانی مدظلهما . عین تلگراف بوشهر است : تبریز ، رشت ، اعلام به سردار اسعد و سردار ارفع امر شود که حرکت طهران تصریح نمایند . بسته ماندن بازار طهران و سایر بلاد خطا است . زیاده بر این تأنی و تأخیر را ، احرار تجویز نمی‌کند . انجمن سعادت .

۸ ع ل - نجف اشرف ، حضرت آیه‌الله خراسانی دام ظلّه ، بشارت تلگراف آقای اهرابی رسید ، بوشهر تصرف مجاهدین ، تنگستان دشتی تصرف ، انجمن مفتوح .

۸ ع ل - نجف اشرف ، حجة الاسلام آقای خراسانی ، آقای مازندرانی ، حاجی محمود تبریزی ، عین تلکراف تبریز است : شب ۲۹ صفر ، احرار خیا بان به اردوی استبداد حمله ، سنگر بزرگ متصرف ، ۶ نفر اسیر ، ۳۲ مقتول ، مابقی فرار ، غنائمشان ضبط ، انجمن ایالتی .

۸ ربیع ل - ایضاً احرار جداً با ماکوئی ها جنگ سخت ، هشتاد نفر از مستبدین مقتول ، ۳ نفر از روساء دستگیر ، احرار از هر طرف غالب ، انجمن سعادت .

۱۰ ع ل - از بوشهر به نجف ، شهر تصرف ، انجمن مفتوح ، گمرک متصرف ، حکومت فرار ، ملت غالب .

۱۴ ع ل - از محمره به نجف ، حضرت آیه الله خراسانی مدظله العالی ، گمرک عربستان ضبط که وجوه آن به طهران نرود . جهاز مظفری دولتی [را] هم در محمره توقیف دادم . محض اطلاع خاطر مبارک عرض شد . منتظر احکام مطاعه است ، خزعل خان .

از تبریز ۱۳ ع ل - ثانیاً دولتی باشد هجوم این دفعه ، محاربه سخت شد ، خیلی از آنها مقتول ، جمعی اسیر ، جمعی فرار ، ملت از هر جهت غالب ، انجمن ایالتی .

۳ ع ل - نجف ، حضرت آیه الله خراسانی ، از برکات امام زمان ، حسب الامر حجت الاسلام حاجی سید عبدالحسین لاری ، تمام دوایر دولتی متصرف ، به قونسلات خارجه اعلام دادیم که انجمن ولایتی ضامن جان و مال رعایای خارجه است ، مستحفظ از هر جهت به نهایت آرامی موجود ، اعضاء عموم ملت بندد عباس .

صورت این تلکراف را از نجف فرستاده اند اگر چه متعلق به ماه گذشته بود ولی چون امروز رسید در عنوان امروز درج گردید .

روز شنبه دهم ربیع الثانی [۱۳۴۷] - امروز جناب آقا میرزا عبدالمطلب و آقا محمد سادق و حاج جلال الممالک ، از قبل از ظهر تشریف آوردند بنده منزل . طرف عصر هم جناب آقا یحیی آمدند . مذاکراتی که شد اینکه: فرمانفرما وزارت داخله را قبول نکرد . از کاشان نوشته اند ، اردوی دولتی به طرف اصفهان حرکت کرده است ، اردوی تبریز مراجعت نموده است ، نزدیک زنجان رسیده اند . آقا سید حسین بروجردی و آقا شیخ حسین یزدی را بنا شده است نفی بلد نمایند .

شرایطی از برای وکالت مجلس نوشته اند ، ملت قبول نکرده است . بعضی از شرایط از این قرار است : انتخاب صنفی نباشد ، افرادی باشد ، از صد و پنجاه هزار نفر یک نفر

را انتخاب نمایند . یکی دیگر آنکه سن وکیل از چهل سال کمتر نباشد . دیگر آنکه تمول وکیل از پنجاه هزار تومان کمتر نباشد . دیگر آنکه متهم نباشد . دیگر آنکه هیچ زمانی به یکی از سفارتخانه‌ها متحصن نشده باشد . پس از تکمیل شروط و صحت انتخاب ، اگر اعلیحضرت او را پسندید به سمت وکالت قبول شود و الامر دود است .
مسئلاً ملت نباید این شرایط را قبول نماید ، در واقع ضرر این شرایط هم برای دولت و هم برای ملت است .

اول غروب را رفته منزل جناب آقا میرزا ابوالقاسم . جناب آقا میرزا آقا مجاهد و جناب حاج جلال‌الممالک آنجا تشریف داشته ، قدری صحبت داشته ، دو ساعت از شب گذشته به خانه مراجعت نمودیم . شبنامه هم دادند که بنده نوشته به طبع برسانم .
روزیکشنبه ۱۱ ربیع‌الثانی [۱۳۲۷] - طرف صبح جناب شوکت‌الوزاره آمد دیدن بنده نکارنده ، و گفت علی‌المذکور ، دیروز سفراء به شاه عرض کرده‌اند که دولت دیگر حق تعیین کابینه وزراء را ندارد ، بلکه ملت باید وزراء را تعیین نماید .

این مسئله خیلی اشکال دارد . اگرچه ملت ، حق عزل وزراء را دارد ، به این معنی که همین قدر گفت ما اطمینان به این وزیر یا به این هیئت ندادیم ، آن وقت وزیر قهراً منزل است و برگشت و مرجع این ، باز به تعیین ملت خواهد بود . لکن ابتداءً حق تعیین با دولت است ، مگر آنکه تعیین دولت و عزل از طرف ملت ، منجر به اختلال و تمویق امور گردد و یا غرض دولت به حدی ظاهر شود که طرف سوءظن باشد ، که در آن وقت ملت می‌تواند بگوید خودمان تعیین کابینه را می‌نمائیم . در هر صورت این مسئله ، امروز به توسط شوکت‌الوزاره به من رسید و من هم نوشتم .

چون پریروز جناب آقا میرزا آقا مجاهد ، شبنامه موسوم به شکوفه عصر داد به من ، و خواهش نمود که به طبع برسانم ، لذا امروز عصری رفته بازار برای خریدن و تهیه لوازم طبع ژلاتین . در امامزاده زید ، جناب حاج جلال‌الممالک را که منتظر بنده بود ، ملاقات نمود ، با هم رفتیم لوازم و اسباب ژلاتین را فراهم آورده ، قدری در خیابان ناسریه و کتابخانه‌ها گردش نمود ، در کتابخانه آقا میرزا مهدی کتابفروش صورت ذیل را دیده استنساخ نمودیم و آن صورت از این قرار است :

۳۰ آوریل ، ترجمه از فرانسه ، خلاصه مراسم سفارت روس و انگلیس

دیروز عصری ، پروتست سخت از دو سفارتخانه روس و انگلیس به شاه شد که خلاصه اش از این قرار است :

و ما نمی‌توانیم عضویت حضرت اشرف ، آقای نایب‌السلطنه را در هیچ کابینه قبول کنیم . صریحاً از نصب ایشان برمسند صدارت و وزارت جنگ پروتست نموده ، تغییر ایشان را جداً خواستاریم . آنچه به تحقیق پیوسته ، قشون روس

که مأمور آذربایجان است ، عددشان پنج هزار نفر می باشد ، ولی هنوز تمامشان وارد نشده اند .

سواد تلگراف سپهدار به تاریخ ۸ ع ۲ ، ۱۳۲۷

جنابان صدارت عظمی و وزرای عظام ، به خاکپای مبارک همایونی .
در این مدت غلام به وظیفه دولتخواهی و شاه پرستی ، آنچه لازمه بقاء سلطنت و سعادت مملکت بود ، عرض کردم . بدبختانه هیچ کدام به قدر ذره [ای] اثر نیکشید و بلکه از تأویلات سوء خائنین ، منتج نتیجه ای نگردید و بالاخره ناچار بر این شدم محض خلاصی این يك مشت ملت خانمان سوخته ، از فشار ظلم ، و رهائی اعلیحضرت از چنگ گروگان درنده ، به تأییدات الهی حرکت کردم ، آنچه در قوه دارم جهاد فی سبیل الله نمایم . و به فضل الهی و توجه خاصه حضرت ولی عصر عجل الله فرجه ، بر عالمیان خلوص نیت خود را ثابت و جزاء خائنین را بدهم (خادم ملت ، محمد ولی) .

۹ ع ۲ ، خلاصه راپرت حاکم قزوین

فلا در قزوین ، قیامت پدیدار ، در مقابل چهار هزار ازجان گذشته جنگی دارای اسلحه جدید ؛ ودویست هزار تومان اعانه و سر کرده [ای] به دیوانگی و تهور نصرالسلطنه ؛ و مخالفت اهالی قزوین ، چگونه ما را تاب مقاومت است ؟ اگر چاره آئی نشود ، فاتحه بردولت ودولتیان باید خواند .

۹ ع ۲ ، تلگراف از تبریز

يك نقطه از قانون اساسی ، جرح و تعدیل ممکن نیست . لازم است از برای مذاکرات بین طهران و تبریز ، چند نفر از شاهزاده عبدالعظیم و سفارت عثمانی حاضر شوند که مخابرات به اطلاع و امضای آنها باشد . انجمن ایالتی ۲۹ آوریل ، ترجمه از فرانسه ، خلاصه مراسله سفارت روس در جواب برتس وزارت خارجه . آقای وزیر ، مراسله مورخه ۲۷ آوریل آن جناب رسید . از مضمونش اطلاع کامل حاصل ، اینکه اظهار فرموده بودید قشون دولت بهیه امپراطوری روس ، ورودش به خاک ایران ، مخالف مسلک دوستی دولتین است ، اینك زحمت داده ، اظهار می دارد : نظر به سلب امنیت واحاطه اغتشاش و انقلاب در تمام صوبه آذربایجان وعدم آذوقه برای اهالی ورعایای خارجه ، اولیای روسیه ، مجبور از کسپل داشتن قشون ، به سمت آذربایجان حرکت کرده و تا پل آجی آمده ، توقف خواهند نمود . و يك دسته برای حفظ قونسلات ورعایای خارجه ، به شهر وارد خواهند شد و تا ایران کلیه آیمن نشود (یعنی مشروطه نگردد) قشون مزبور عودت نخواهند کرد . و خاطر آن جناب را متوجه به این نکته می نماید که ورود

این قشون ، ابدأ مخالف با مسلک دوستی نیست ، بلکه برای حفظ اتباع خارجه و ورود آذوقه است و به هیچ وجه مقاصد سیاسی در بین نیست. موقع را مغتنم شمرده ، احترامات فایقه را تجدید می نماید (سابلیس ، شازدفر دولت بهبه امپراطوری روسیه) .

روز دوشنبه ، ۱۲ ع ۲ [۱۳۲۷] - امروز طرف عصر را رفتم منزل جناب آقا میرزا عبدالمطلب . در بین راه ، جناب حاج جلال الممالک را ملاقات نموده ، با هم رفتیم و تا غروب آنجا بودیم . غروب آفتاب با هم آمدیم تا میدان توپخانه ، از آنجا بنده مراجعت نمودم به خانه . مردم را مختلف دیدیم ، چه بعضی خوشحال و خرم بودند از اینکه فردا دستخط مشروطیت را به در و دیوار می چسبانند و بین مردم نشر می دهند . بعضی در حزن و اندوه بودند که مشروطه خواهد شد ، دیگر نمی توانند مردم را بچاپند . بعضی می گفتند اعلیحضرت ، تلگراف به ولایات کرده است مشروطه محدود است .

جناب آقا میرزا عبدالمطلب ، مذکور ساخت : سه روز قبل اعلیحضرت ، مخبرالدوله را خواسته است و صورت تلگرافی به او داده است که از قول خودش ، به ولایات مخابره نماید مضمونش آنکه : رؤساء تلگرافخانه ، به مردم برسانند که اعلیحضرت شاهنشاه ، مشروطه محدود را مرحمت فرمودند ، در چهاردهم که روز مولود خودشان است ، دستخط را صادر و منتشر می فرمایند . امضاء را وزیر پست و تلگراف رقم فرموده اند ، از این تلگراف معلوم می شود که خیال دارند وزارت پست و تلگراف را از کابینه مجزا و در اداره وزارت داخله و مالیه نباشد . و این را هم می رساند که خیال دارند پستخانه را هم بدهند به مخبرالدوله . و نیز مذکور داشت که سفیرین روس و انگلیس نوشته اند به اعلیحضرت ، که امیر بهادر ، تا پنج روز دیگر باید نفی و تبعید شود ، چه تا او در تهران است امنیت کامله حاصل نشود .

نایب السلطنه ، وزیر امور خارجه علاء السلطنه را خواسته است و به او گفته است : « این کارها را سعدالدوله می کند . محرک سفیر روس و انگلیس ، سعدالدوله بوده و می باشد که هر روز به تحریک ماها اقدامی کنند . آنها بدون اجازه و امر دولت خود کاری نمی کنند ، بلی دوستانه می شود از آنها خواهش و مهلتی خواست . ولی رسماً نه [می شود] به آنها گفت شما چرا در داخله مملکت ما ، اقدامات می کنید ، ممکن نیست » .

امروز در خیابانها مردم خوشحال و درباب چراغانی شب مولود ، اختلافات و آراء مختلفه است . مشکل است بگذارند چراغانی شود :

روز سه شنبه ۱۳ ربیع الثانی [۱۳۲۷] - امروز طرف صبح ، میرزا ابراهیم خان ، خلف مرحوم آقا حسین ، آمد بنده منزل و گفت : امیربخارا ، امیر حبیب الله خان ، بادو هزار نفر سوار به طرف ایران حرکت و عازم زیارت مشهد مقدس است . دیگر در ضمن ،

مقصود پولتیکی در کار باشد معلوم نیست . و نیز گفت : دیروز نواب که یکی از اجزاء سفارتخانه انگلیس است ، محرمانه پیغام داده است برای میرزا سلیمان خان که فردا ظهر ، من برای ملاقات شما می آیم درباغ شما ، و شما را تنها ملاقات می کنم . دیگر معلوم نیست چه مسئله باشد .

نقل از روزنامه کسکول نمره ۲

خدمت حضرت آقای صمصام السلطنه دامت شوکتہ ، عرض ارادت دارم و از سلامت وجود مبارک استعمال می نمایم . انجمن ولایتی محرمه تشکیل گمرک عربستان ضبط که وجوهات به طهران نرود ، جهاز مظفری دولتی [را] هم در محرمه توقیف دادم . اگر لازم بدانند برادران آذربایجانی و گیلانی را لئذ کیفیت مستحضر فرمائید . خدمت جنابان اجل آقای سالار حشمت و منتظم الدوله دام اقبالهما ، عرض ارادت دارد ، حاجی رئیس به عرض عبودیت حاضر فرمایشات مقررست است (خزعل) .

ایضاً نقل از کسکول نمره ۳

دستخط مطاع حضرات آیات الله روحنا فداهم

بسم الله الرحمن الرحيم - عموم برادران لشکری و صاحب منصبان ، قزاقان و افواج سواره و پیاده و امراء و توپخانه و سایر اعوان ظلم و استبداد را اعلام می داریم: اگر چه بعد از آن احکامی که سابقاً به همه نوشته و اعلام نمودیم که اطاعت حکم به قتل و شلیک برملت و مشروطه خواهان ، به منزله اطاعت یزید ابن معاویه و با مسلمانی منافی است . و معهداً تأثیر نکرد و با سرداران روس و اشباہیم ، همراهی و چقدر دماء طیبه مسلمانان را ریخته ، اموالشان را نهب و خواهران و برادران و اولاد خودتان را فی الحقیقه ، بیوه و یتیم و بی صاحب کردید ، و این بدنامی و لمن ابدی را بر خود روا داشتید . دیگر جای سخنی نمانده ، لکن همین قدر به شماها می گوئیم : آیا سزاوار است سرداران دولت عثمانی که به جنگ ملت مأمور شدند ، با برادران اسلامی خود ، مقابله نکرده ، باهم همدست و اساس قویم مشروطیت و عدالت [را] که سرمایه سعادت ملت و دولتشان است به فاصله هشت ساعت ، چنین مستحکم ساختند . و شماها با اینکه مسلمان هستید ، با سرداران روسی همدست و چنین شایع را ارتکاب و خود را در زمره اعوان یزید داخل کنید ؟ تازود است البته از گذشته توبه کنید و در آینده ، از این شایع ، احتراز و با ملت و برادران ایمانی خود ، مانند اردوی عثمانی متفق و همدست شوید ، تا گذشته آمرزیده و بدنامی ها به نیکنامی میدل شود ، ان شاء الله . (من الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی) (من الاحقر عبدالله

مازنددانی) .

روز چهارشنبه ۱۴ ربیع الثانی [۱۳۲۷] - امروز به مناسبت مولود شاه، چند شلیک توپ شد و سلام بود. شب گذشته که می بایست تمام شهر را چراغانی کنند، برخلاف، اختلاف بین مردم افتاد، بازارها را چراغانی نکردند. در میهمانی سفراء هم، سفراء نیامده بودند و جواب داده بودند تا وزیر امور خارجه نباشد، ما حاضر نمی شویم. اعلیحضرت هم فرموده بود جهنم نیایند. امروز کاغذی از مجدالاسلام رسید از اصفهان، و نوشته بود: خوانین بختیاری، قرص و محکم ایستاده و عازم طهران می باشند و من هم با اردو می آیم الخ.

طرف عصر را رفتم منزل جناب آقا میرزا ابوالقاسم. آقا میرزا آقای اصفهانی آنجا بود، مذکور ساخت: دیشب قزوین را اردوی سپهدار متصرف شدند. از اصفهان هم تلگراف شده است چهار هزار نفر به طرف قزوین حرکت کرده اند و دو هزار هم عازم طهران بودند، گویا وعده تلاقی در قزوین بوده است.

در این بین، جناب آقا میرزا ابوالقاسم، تلفون را وصل به اداره راه قزوین نمود. شنیدیم که کسی از قزوین حرف می زد و می گفت: سپهدار وارد و چند نفری کشته، ولی امروز شهر امن است و حاکم را هم گرفته اند. در این بین، پاکتی از طرف مؤیدالدوله، حاکم طهران رسید. در لف آن، دو ورقه صورت دستخط شاه بود که مشروطیت را رسماً اعلان کرده بودند، که صورت آن از این قرار است. پس از شیر [و] خورشید چنین نوشته شده است:

سواد دستخط اعلیحضرت

قدر قدرت اقدس هما یونی ارواحناه فداء

چون برای تهیه ضروریات مملکت و تدارک حوائج ملت، تنظیم و ترتیب اداره دولتی، شرط اول است و تاکنون، دوائر دولت، بر روی اساس صحیحی مرتب نبوده و اغتشاش ادارات، تولید انواع مشکلات و هرج و مرج نموده، روز به روز سلاسل نظم و امنیت از هم گسیخته است. لهذا برای ترتیب و تنظیم ادارات دولتی، اصول مشروطیت را که در تأمین آسایش حال رعیت و ترتیب امورات دولت و مملکت، بهترین اساس است، از تاریخ امروز [که] ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۲۷ است، به میمنت و سعادت در مملکت ایران برقرار فرمودیم تا نمایندگان ملت و عقلای مملکت، در حل و فصل مشکلات امور و تدوین قوانین بر حسب احتیاجات وطن عزیز و مقتضای وقت و میزان شرع مبین و مذهب اسلام، با اولیای دولت موافقت نموده، در استحکام مبانی نظم و امنیت و معدلت